



استاد پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری:

فرشچیان؛ تبلور بارز یک استاد نقاشی ایرانی مردمی است



بابایی فلاح
استاد پژوهشگاه
میراث فرهنگی و گردشگری

و مهم در نقاشی ایرانی است. نقاشی سنتی ایران عمدتاً عینیت‌گریز بود و صحنه‌ها را ابتدا از صافی ذهن خود عبور داده و بعد به روی بوم می‌آورده است. تا جایی‌که جریانیت مثل نقاشی قهوه‌خانه‌ای با نام نقاشی خیالی نگاری نیز شناخته می‌شود.

محمود فرشچیان نیز به تبع دیگر نقاشان ریشه‌دار در هنر سنتی ایران، برای عنصر خیال اهمیت زیادی قائل بود. به‌طوری‌که بسیاری از فضاهای ساخته‌شده در آثار او، مابه‌ازای عینی و زمینی ندارد. در رابطه با کلیدواژه عشق نیز از گذشته‌های دور مضامین عاشقانه محبوبیت زیادی در ایران داشته است، اما نگاه هنرمندان به این کلیدواژه تفاوت‌هایی با هم دارد. در نگارگری معاصر و آثار اساتیدی مثل محمود فرشچیان، عشق با شوریدگی درآمیخته و به شکل‌هایی مثل درهم‌تنیدگی پرنندگان، ابرها، ستارگان، گیاهان و دیگر عناصر بصری به‌دور افراد خود را نشان داده است.

استاد فرشچیان در آثارشان به گستره وسیعی از مضامین، از حماسی و اساطیری تا آیینی و ادبی پرداخته‌اند. به نظر شما کدام مضمون یا مجموعه مضامین نقطه اوج فعالیت هنری ایشان محسوب می‌شود و چرا؟

در میان مضامین مورد استفاده توسط استاد فرشچیان، آن‌چه بیش از همه در ذهن و یاد مخاطبان باقی‌مانده، تعدادی از آثار مذهبی ایشان است. این آثار به واسطه استفاده در مراسم مذهبی عاشورا، برای نسل‌های متعددی از مخاطبان تکرار و ماندگار گردیده است. اما با این‌وجود آن‌چه در پاسخ سؤال قبل عرض کردم، یعنی ماحصل ترکیب عشق و شوریدگی، شاخص‌ترین آثار محمود فرشچیان را به خود اختصاص داده است.

با توجه به شهرت جهانی استاد فرشچیان و نمایش آثارشان در موزه‌ها و گالری‌های بین‌المللی، تأثیر ایشان بر معرفی و شناساندن هنر نگارگری ایرانی به مخاطبان غیرایرانی چگونه بوده است؟

پاسخ این سؤال نیازمند مصاحبه و آمارگیری از مخاطبان غیرایرانی است. امری که متأسفانه تا امروز رخ نداده است. اما در نظر گرفتن کتاب آثار استاد فرشچیان به‌عنوان یک هدیه نفیس برای مهمانان وزارت امور خارجه، نشان از جذابیت این آثار برای مخاطبان غیرایرانی دارد. اما در داخل باوجود تفاوت‌های آثار استاد فرشچیان به آن‌چه به‌عنوان شاخص اصلی هنر نگارگری در نظر گرفته می‌شود، آشنایی اکثریت مردم با واژه نگارگری به واسطه آثار استاد فرشچیان اتفاق افتاده است. تا جایی‌که مثلاً یک‌دانشجوی رشته نگارگری برای تفهیم معنای رشته خود به مخاطبان عام، نیازمند یادکرد از نام استاد فرشچیان است.

استاد فرشچیان نه تنها هنرمند برجسته، بلکه یک معلم و مربی دلسوز برای نسل‌های جوان‌تر بودند. نقش ایشان در تربیت هنرمندان جوان و انتقال میراث نگارگری به نسل‌های بعدی را چگونه توصیف می‌کنید؟

بیشترین شاگردان استاد فرشچیان در دهه‌ی ۵۰ خورشیدی و در ذیل هنرستان تهران تربیت شدند. متأسفانه عدم حضور مستمر ایشان در ایران طی دهه‌های اخیر، امکان دسترسی علاقمندان به ایشان را محدود کرده بود. با این‌وجود محدود ورک‌شاپ‌های ایشان در فضاهای فرهنگی و هنری و همچنین نمایشگاه دائمی آثار ایشان در کاخ موزه سعدآباد، تا حدی امکان ارتباط نسل‌های بعدی با ایشان را فراهم کرده بود.

که امروز در بهترین کتابخانه‌ها و موزه‌های جهان نگهداری می‌شوند. صاحب‌نظران غربی برای هنر نگارگری از واژه Persian Painting استفاده می‌کنند و ایرانیان در دوره معاصر به‌دلیل ریز نگاری‌های هنر نگارگری، از واژه مینیاتور نیز برای آن استفاده کرده‌اند که واژه چندان کارآمد و مناسبی برای این هنر به حساب نمی‌آید.

نگارگری اصیل و قدیم ایران واجد چهارچوب و مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی محکم و منحصربه‌فردی است که بخشی از آن‌ها در آثار نگارگران معاصر و نقاشانی مثل استاد فرشچیان بازتاب یافته است.

با این تعاریف جایگاه استاد فرشچیان در میان هنرمندان را چگونه تعریف می‌کنید؟

مرحوم فرشچیان با شناخت مناسب از هنر تجسمی قدیم و اصیل ایران، مسیری تازه را بنا نهاد. سبک استاد فرشچیان مؤلفه‌های هنری شاخصی مثل قلم‌گیری، پرهیز از فضای تهی، زمان‌گریزی، مکان‌گریزی، نور فراگیر و یکسان، فضا سازی رؤیایی، شاعرانگی و نمادگرایی تمثیلی را از نگارگری قدیم ایران اخذ کرد، ولی در عرصه‌هایی مثل ترکیب‌بندی، انتخاب رنگ و پرداخت تصاویر که به شیوه خیس در خیس به انجام می‌رسید، نوآوری‌های چشمگیری را وارد آثارش کرد. محمود فرشچیان به واسطه بخشی از آثار مردمی خود که عموماً در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ خورشیدی خلق شد، مخاطبان عمومی زیادی را به خود جذب کرد و به‌دلیل خاص بودن آثارش و صنعت کاری ویژه و دست‌نیافتنی آثارش، به جایگاه یک استاد نقاشی ایرانی مردمی دست یافت.

از منظر زیبایی‌شناسی و تکنیک، چگونه می‌توان نوآوری‌های استاد فرشچیان را در زمینه رنگ‌پردازی، فضا سازی و کمپوزیسیون در آثارشان تحلیل کرد؟ آیا ایشان مکتب خاصی را در این زمینه‌ها بنیان نهادند؟

ایشان در زمینه استفاده از رنگ در آثارشان، شیوه جدیدی را بنا نهادند. شیوه‌ای که نهایتاً به شکل بسیار جزئی و کم‌رنگ در آثار تعدادی از نقاشان صفوی و قاجار قابل پیگیری است. رنگ‌گذاری در هنر قدیم ایران- به‌خصوص در نگارگری ایرانی، به شیوه قرار دادن رنگ‌های خالص و درخشان در سطوح مشخص و معین تصاویر به انجام می‌رسید؛ سطوحی که در سراسر صحنه پراکندگی موزونی داشتند. البته نباید فراموش کرد که استاد فرشچیان فعالیت‌های تجسمی متنوعی داشتند. ایشان در یک نمونه شاهنامه نگاری، نهایت اصول نگارگری قدیم ایران را مورد رعایت قرار دادند.

همچنین در آثار شاخصی مثل ظهر عاشورا و ضامن آهو از صراحت بسیار بیشتری نسبت به آثار غالب خود بهره جستند. اما در رابطه با آثار غالبی که یک دنیای شوریده و درهم‌تنیده کائنات را نمایش می‌دهد، شیوه خیس در خیس رنگ‌ها، دنیای بصری متفاوتی را موجب شده و سبک خاصی را بنا نهاده است. البته این نکته را هم خدمتتان خاطر نشان کنم که فعالیت‌های انفرادی استاد فرشچیان و هر استاد دیگر نهایتاً منجر به شکل‌گیری یک جریان هنری شده است؛ خلق مکتب هنری نیازمند فعالیت مستمر و پیوسته چند نسل استاد و شاگرد در ذیل یک جغرافیای خاص است.

ظاهراً کلیدواژه‌های خیال و عشق دو عنصر کلیدی در آثار محمود فرشچیان هستند. تبلور این دو مفهوم را در آثار استاد فرشچیان، به خصوص در مواجهه با مضامین آیینی و عرفانی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در رابطه با واژه خیال، عنصر خیال یک مؤلفه‌ی فعال

طی یک سده اخیر عامه مردم هنر فرشچیان را درونی کردند و اهالی خاص هنر و فرهنگ با هنر او انس گرفتند و تعامل کردند.

این استاد بلامنازع بوم‌های نقاشی ایران نشان داد که مدرن‌ترین نمادها را چگونه می‌توان با ریشه‌های سنتی ترکیب کرد و در واقع هنر او پیوندی از سنت و مدرنیته است. محمود فرشچیان در غرب زندگی کرده است اما همواره نماینده ایران بود. اینکه انسان بتواند ریشه در خاک و آیین و سنت‌هایش داشته باشد و در عین حال از زمانه عقب نماند، هنر اندکی نیست. فرشچیان برای ما نماد ایران است.

به همین دلیل و به بهانه درگذشت استاد فرشچیان به گفتگو با هادی بابایی فلاح، استادیار گروه هنرهای ملی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری پرداخته ایم که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

به عنوان سوال نخست بفرمایید با توجه به جایگاه استاد فرشچیان در نگارگری معاصر ایران، به نظر شما بارزترین ویژگی‌ای که هنر ایشان را از پیشینیان متمایز کرده و راه را برای آیندگان گشوده است چیست؟

اول اجازه دهید درباره واژه نگارگری و نسبت آن با مرحوم فرشچیان، نکاتی را خدمتتان عرض کنم. جناب استاد فرشچیان در مواجهه با واژه نگارگری، خود را «نقاش ایرانی» می‌دانستند و نه نگارگر. این در حالی است که بخشی از جامعه هنری ایران در مورد ایشان نه از واژه نگارگر استفاده می‌کردند و نه از واژه نقاش ایرانی، بلکه ایشان را مینیاتوریست خطاب می‌کردند.

به نظر اینجانب، تعبیر استاد فرشچیان درباره خودشان، درست‌ترین تعبیر است؛ ایشان یک هنرمند معاصر ایرانی بودند که زیر دست اولین اساتید خود در شهر اصفهان، تحت تأثیر هنر نگارگری قرار گرفتند و مشق‌های هنری خود را با نگارگری آغاز کردند. اما ایشان در ذیل هنر نگارگری باقی نماندند و بر اثر مواجهه با دیگر جریان‌های هنری تجسمی، به سبکی منحصربه‌فرد دست یافتند که ریشه‌های ایرانی آن مشهود بود، ولی آثار ایشان به طور کامل ذیل جریان‌های هنری مثل نگارگری، نقاشی قهوه‌خانه‌ای یا نقاشی مدرن ایران معاصر قرار نمی‌گرفت.

به طور کوتاه درباره تعریف واژه نگارگری و نسبت آن با واژه مینیاتور توضیح دهید؟

نگارگری به شکل شاخص و شناخته‌شده، تصویرسازی کتاب‌های فارسی (اعم از تاریخی، علمی و ادبی) در دوره‌های سلجوقی، ایلخانی، تیموری و صفوی را شامل می‌شود. پس از شکل‌گیری منظومه‌های غنی شعر فارسی مثل شاهنامه فردوسی، گلستان و بوستان سعدی، خمسه نظامی گنجوی و چند منظومه شاخص دیگر، مهم‌ترین آثار نگارگری در دل نسخه‌سازی‌های مصور از این کتاب‌ها به وجود آمد. آثاری